

شناخت سه‌گانه آیینیک (عدم پذیرش، ایرادات آیین دادرسی و دفاع ماهوی)

حسن محسنی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مجید غمامی

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

هادی ملک تبار فیروزجائی

دانش آموخته دکتری حقوقی خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۶/۲۸)

چکیده

گفته می‌شود که از قواعد اولیه و اساسی آیین دادرسی این است که ایراد آیین دادرسی در صورت پذیرش، تأثیری در رد قطعی ادعای طرف مقابل ندارد. در بندهای یازده‌گانه ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، مصادیق گوناگون ایرادات برشمرده شده است. اگرچه عناوین قانونی ایرادات آیین دادرسی تنها به موارد مصرح در ماده مذکور منحصر نیست، همه مصادیقی که در این ماده به‌عنوان ایرادات آمده است، طبیعتی یکسان ندارند؛ بعضی از بندهای ماده ۸۴ به سبب تأثیری که در رد ادعای خواهان پس از بررسی ماهوی دارند، باید در شمار دفاع ماهوی قرار گیرند. همچنین در پاره‌ای موارد، جهات قانونی مورد استناد، موجب رد همیشگی ادعا، بدون بررسی و رسیدگی ماهوی می‌شوند. قواعد دسته اخیر را نمی‌توان با قواعد ایرادات یا دفاع ماهوی تحلیل کرد، زیرا به هیچ‌یک تعلق ندارند. اینان به لحاظ اثر آن در رد ادعا، همچون دفاع ماهوی هستند و از این نظر که مانع ورود در ماهیت دعوا می‌شوند، به ایراد آیین دادرسی شباهت دارند. در این مقاله به این نتیجه رسیده‌ایم که ایجاد دسته سوم در کنار دو دسته دیگر به‌منظور شناخت صحیح قواعد آیین دادرسی و آثار طرق دفاعی کمک بسیاری به نظر و فن آیین دادرسی می‌کند.

واژگان کلیدی

ایراد آیین دادرسی، دفاع ماهوی، عدم پذیرش.

۱. مقدمه

در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، جهات گوناگون و بسا ناهمگون، بدون هیچ نوعی تفکیک نظری و عملی به عنوان ایرادات (آیین دادرسی) در قالب دسته‌بندی‌هایی برشمرده شده است. در نخستین نگاه می‌توان دریافت که برخی از بندهای مذکور مانند بندهای ۷ و ۸ در این ماده را باید در شمار دفاع ماهوی آورد نه ایراد آیین دادرسی. به باور نگارندگان، در این ماده، دفاع ماهوی، ایراد آیین دادرسی و برخی جهات خاص که ناظر بر شرایط وجود حق درخواست یا دادخواهی به‌شمار می‌روند، درهم آمیخته شده‌اند. این وضعیت اشکالاتی را در عمل به وجود می‌آورد. با اندک دقت درمی‌یابیم که باید قلمرو و قواعدی مستقل برای ایرادات آیین دادرسی و دفاع ماهوی و پاره‌ای جهات که به لحاظ اثر ماهوی و شکلی شبیه هر دو هستند، تبیین کرد. از این رو تعیین معیارهای تفاوت ایراد آیین دادرسی، دفاع ماهوی و دسته‌ای دیگر از دفاعیات که در نوشته حاضر عدم پذیرش^۱ یا مانع پذیرش نامیده می‌شود، بایسته است.^۲ اگرچه ریشه این تفکیک به افکار هانری موتولسکی در فرانسه بازمی‌گردد، عدم

1. Fin de non-recevoir.

برگردان تحت‌اللفظی اصطلاح مذکور در زبان فارسی، «به‌منظور یا برای یا به جهت Fin de non-recevoir» پذیرفتن «non-recevoir» است. با این حال، استاد محترم دکتر شمس عنوان «ایراد عدم استماع» را برگزیده‌اند (شمس، ۱۳۹۲: ۴۲۱). شاید دلیل چنین ترجمه‌ای، یکی بودن جهت عدم پذیرش و ایرادات آیین دادرسی در حقوق ما و گرد آمدن همه آنها در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی باشد. با این حال، به باور نگارندگان، برگردان «عدم پذیرش» راستر و نزدیک‌تر به مفهوم اصطلاح مذکور است، زیرا چنانکه در ادامه می‌آید، وجود یکی از جهات عدم پذیرش موجب امتناع قانونی دادگاه از پذیرش دادخواهی است. در این باره رک: محسنی، ۱۳۹۳: ۱۱۳. علت ترجیح اصطلاح عدم پذیرش، ماهیت متمایز آن نسبت به ایراد آیین دادرسی است و به همین سبب از نظر نویسندگان کد نوین آیین دادرسی مدنی فرانسه در شمار ایرادات قرار ندارد و از این رو، در کد نوین فصلی مستقل (فصل سوم از باب پنجم) به آن اختصاص یافته است. بدین ترتیب، عدم پذیرش، مخصوص مواردی است که خواهان حق دادخواهی نداشته باشد. دلیل دیگر ترجیح این اصطلاح، عنوان «ایرادات و موانع رسیدگی» است که در مبحث سوم از فصل دوم قانون آیین دادرسی مدنی ما آمده است. شاید مقصود مقنن از موانع در این عنوان همین عدم یا مانع پذیرش باشد، از همین رو، در این نوشته از اصطلاح عدم پذیرش یا مانع پذیرش استفاده می‌شود.

۲. اخیراً مقاله‌ای با عنوان «ایراد عدم استماع در حقوق فرانسه و ایران» در فصلنامه تحقیقات حقوقی (شماره ۸۲) به چاپ رسیده است (شمس و کرد زنگنه، ۱۳۹۷: ۲۹-۱۱). در این مقاله، به‌طور مختصر مفهوم «ایراد عدم استماع» و برخی قواعد جزئی آن مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. به باور نگارندگان، با وجود ارزش انکارناپذیر کار نویسندگان مقاله مذکور، در وهله نخست و پیش از بررسی آثار، بهتر آن است مفهوم «ایراد عدم استماع» یا «عدم پذیرش» شناخته شود. در حقیقت، عدم پذیرش، در حقوق کنونی فرانسه ایراد به‌شمار نمی‌رود. هرچند به لحاظ تاریخی، درباره طبیعت آن (ایراد یا دفاع ماهوی بودن) اختلاف نظر بسیار وجود داشته است. در حال حاضر، با توجه به تحولات قرن بیستم و عصر حاضر، عدم پذیرش، دسته‌ای متمایز و مستقل از ایراد و دفاع ماهوی را تشکیل می‌دهد. همچنین، پیشنهاد دسته‌بندی ایرادات آیین دادرسی پیش از این از سوی برخی مؤلفان به اشکال مختلف مطرح شده است. برخی پیشنهاد دسته‌بندی ایرادات به موانع رسیدگی و ایرادات را مطرح کرده‌اند (درخشان‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۷)، در دسته‌بندی پیشنهادی نویسنده فقدان سمت نماینده و فقدان اهلیت را از موارد عدم استماع (عدم پذیرش) شمرده و عدم استماع را به دو دسته تقسیم کرده است. مواردی که مانع دائمی برای دعوا ایجاد می‌کند و مواردی نظیر فقدان سمت یا اهلیت که موجب ایجاد مانع موقت می‌شود. دسته نخست را دارای اعتبار امر قضاوت

پذیرش، از نظر عملی مبنای بسیاری از تصمیمات دادگاه در رد ادعای خواهان قرار می‌گیرد، ولی مبنای نظری آن ناشناخته است. در نظام حقوقی ما در برخی ایرادات قرار رد و در پاره‌ای موارد که قانوناً دعوا قابل استماع نیست، قرار عدم استماع صادر می‌شود، اما ناگفته پیداست که همه قرارهای رد یا عدم استماع صادره از دادگاه‌ها را نمی‌توان یکسان شمرد. همچنان‌که خواهیم دید، رویه قضایی و دکترین حقوقی در کشور ما هیچ‌گاه با جهاتی مانند فقدان نفع و یا اعتبار امر قضاوت‌شده همچون سایر ایرادات آیین دادرسی برخورد نکرده است و همواره به‌صورت ویژه به آن توجه داشته‌اند. گواه این مدعا، کثرت آرای موسوم به «قرار عدم استماع دعوا» است که مستند به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی صادر می‌شوند. با این حال چارچوب قانون آیین دادرسی مدنی طوری تنظیم شده است که این جهات نیز به‌اشتباه در ردیف ایرادات آیین دادرسی قرار گرفته است. این روش از نظر عملی اشکالاتی دارد که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود. بنابراین، به باور نگارندگان، باید به دوگانه ایراد آیین دادرسی و دفاع ماهوی به دیده تردید نگاه کرد و دسته‌ای مستقل و تازه را بنیاد نهاد و از «سه‌گانه‌شناسی آیینیک» ایرادات، دفاعیات ماهوی و موانع یا عدم پذیرش سخن گفت. همچنان‌که در کد آیین دادرسی مدنی فرانسه، طرق دفاعی به معنای اعم به سه دسته «دفاع ماهوی»، «ایرادات آیین دادرسی» و «عدم پذیرش» تقسیم شده است. آثار این دسته‌بندی به دلیل مبنای منطقی آن، در حقوق ایران نیز دیده می‌شود و توجیه منطقی دارد، اما از آنجا که مبنای نظری آن شناخته نشده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. در این مقاله نخست طی سه بند به سه‌گانه آیین دادرسی و سپس به بررسی مصادیق مذکور در ماده ۸۴ و چگونگی دسته‌بندی صحیح آن می‌پردازیم.

شده دانسته‌اند و دسته دوم از این اعتبار برخوردار نمی‌دانند (درخشان‌نیا، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۰). برخی دسته‌بندی دفاع به شکلی و ماهوی را پیشنهاد کرده‌اند (مولودی و صفری، ۱۳۹۶: ۱۶۴). این دسته‌بندی به لحاظ نظری اشکال دارد، برای مثال نگارندگان ایرادات امر مطروحه، امر قضاوت‌شده و عدم توجه دعوا را در گروه دفاع شکلی آورده‌اند (مولودی و صفری، ۱۳۹۶: ۱۶۴). حال آنکه امر قضاوت‌شده و عدم توجه دعوا را نمی‌توان در شمار ایرادات آیین دادرسی آورد. همچنین، نویسندگان مقاله اخیرالذکر به‌درستی بندهای ۷ و ۸ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی را در زمره دفاع ماهوی قرار داده و حذف آن از ماده مذکور را پیشنهاد کرده‌اند که از این جهت با نظرهای ارائه‌شده در این پژوهش همسوست. همچنین، نویسنده‌ای دیگر، بر این مبنا که موارد عدم پذیرش (عدم استماع) دارای اعتبار امر قضاوت‌شده بوده و از این جهت می‌تواند مانع کثرت دعاوی باشد، تفکیک میان ایرادات و موارد عدم پذیرش را ضروری دانسته‌اند (هرمزی، ۱۳۹۴: ۳۳) که درست است. مجموع پژوهش‌های متقدم نشان از نقایص موجود و ضرورت طرح‌ریزی سه‌گانه جهات دفاعی در حقوق ایران دارد.

1. La trilogie procédurale.

۲. انواع جهات دفاعی و تفکیک آنها در مبانی حقوق دادرسی

استادان آیین دادرسی ما به‌طور سنتی، ایرادات و دفاع ماهوی را در کنار هم و به‌عنوان طرق دفاعی یا پاسخ‌های خواننده آورده‌اند (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۲۴۸؛ شمس، ۱۳۹۲: ۴۱۸). در حقیقت، در حقوق ما، ضمن پذیرش اثر و موضوع متفاوت دفاع ماهوی و ایراد آیین دادرسی، آنان را در گروه واحدی به نام دفاع یا پاسخ خواننده قرار داده‌اند. با این حال، این وضعیت چندان با ماهیت و مفهوم این دو و نحوه استناد به آن هماهنگ نیست. از لحاظ تاریخی، ایراد آیین دادرسی در نخستین قانون آیین دادرسی مدنی ایران (قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰ ش) که از کد آیین دادرسی مدنی فرانسه سال ۱۸۰۶ میلادی اقتباس شده است، آمده است، از نظر حقوقدانان فرانسوی ایراد آیین دادرسی و دفاع ماهوی را نمی‌توان در یک گروه قرار داد. این دیدگاه در نوشته‌های نخستین دادرسی‌دانان ایرانی هم ملاحظه می‌شود. برای مثال، دکتر مصدق در آغاز بحث ایراد، لزوم پرهیز از خلط این دو را یادآور می‌شود: «... نباید اشتباه کرد ایراد را با وسایل دفاعیه زیرا وسایل دفاعیه اعتراضاتی است که مدعی علیه به موضوع ادعای مدعی می‌کند مثلاً اگر مدعی ادعای طلبی نمود که مدعی علیه منکر شد ایراد نامیده نمی‌شود و انکار است...» (مصدق‌السلطنه، ۱۳۹۶: ۱۵۳). با این حال، نسل‌های بعدی استادان آیین دادرسی ایران، مفهوم ایراد و دفاع ماهوی را به هم نزدیک و گاه یکی کرده‌اند، چنانکه در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی نمود بارز این امر دیده می‌شود که بدون تفکیک تمام ایرادات و دفاعیات گرد آمده است؛ امری که از لحاظ عملی، می‌تواند موجب صدور آرای نامتناسب و گاه اختلاف‌نظر در خصوص آثار آنها گردد. در این نوشتار به ماهیت متفاوت جهات گوناگون پرداخته می‌شود.

۲.۱. دفاع ماهوی یا دفاع به معنای اخص

دفاع ماهوی وسیله‌ای مختص خواننده برای معارضه و مقابله با اصل و اساس ادعای خواهان است. به بیان دیگر، خواننده از طریق دفاع ماهوی خواسته طرف مقابل را انکار می‌کند یا دلایلی مبنی بر بی‌اساس بودن یا غیرموجه بودن آن اقامه می‌کند. مرحوم دکتر متین دفتری در این باره می‌نویسد: «مقصود از دفاع به معنای اخص این است که خواننده حقوق ادعایی خواهان را نفی و انکار نماید...» (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۲۴۸). بنابر دیدگاه استاد شمس، دفاع ماهوی در نفی حق ادعایی مدعی خلاصه می‌شود (شمس، ۱۳۹۲: ۴۵۹). بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که به نظر این استادان، دفاع ماهوی جزئاً یا کلاً در برابر ادعای خواهان قرار دارد؛ دیدگاهی که در آثار نویسندگان فرانسوی مسبوق است. دفاع در نزد حقوقدانان کلاسیک فرانسوی، به‌عنوان

وسيله‌ای برای منهدم ساختن دادخواهی^۱ یا به عبارت دیگر، رد ادعای طرف مقابل^۲ به کار می‌رفت، درست مانند اینکه پایه‌های یک سه‌پایه تخریب شود. به بیان دیگر، هدف دفاع می‌توانست اعلام بی‌مبنایی دادخواهی^۳ یا غیرقابل قبول بودن^۴ آن باشد (Akuesson, 2016: 58). در حقوق مدرن فرانسه نیز همچنان می‌توان این ویژگی را به عنوان معیار تفکیک ایراد آیین دادرسی از دفاعیات دانست. به نظر استادان کورنو و فوایه: «دفاع در معنای گسترده، معارضه و مناقشه با خواسته^۵ است، عملی که به موجب آن خواننده از پذیرش ادعای خواهان سرباز می‌زند و جهاتی خاص به دادرس ارائه می‌دهد، که در صورت اثبات آنها درخواست ناظر بر خواسته به صورت کم‌وبیش قطعی رد می‌شود» (Cornu et Foyer, 1958: 314). همچنین، رنه مورل ذات دفاع را مقابله با ادعای خواهان و عملی برای رد آن می‌دانست (Morel, 1932: 66). بنابراین، روشن است که دفاع ماهوی، عملی از سوی خواننده است در برابر ادعای خواهان. بنابراین، برای مثال، خواهان در دادخواهی ادعای مالکیت بر شیء معین و دلایل آن را مطرح می‌کند و خواننده دقیقاً مخالف آن، یعنی عدم مالکیت و دلایل آن را ادعا می‌کند. به همین سبب، می‌توان این دو را مخالف یکدیگر یا قرینه آن دیگری شمرد (حالت قرینه حق دادخواهی خواهان و حق دادخواهی خواننده^۶). به قول برخی نویسندگان فرانسوی، دفاع ماهوی، آنتی‌تز (برابرنهاد) دادخواهی است (Solus et Perrot, 1961: 283). بنابراین، هدف از دفاع ماهوی رد ادعای طرف مقابل پس از بررسی درستی یا نادرستی مبنای آن توسط دادرس است و چنانچه پذیرفته شود اثری منطبق با هدف مدافع دارد، بی‌آنکه چیزی بیشتر عایدش شود. در حقیقت، مقایسه دفاع ماهوی و دعوای متقابل، ذات و ماهیت خاص هریک را روشن می‌کند. طرح دعوای متقابل، زمانی ضروری است که خواننده فراتر از رد ادعای طرف مقابل، در پی کسب امتیازی مستقل است؛ چنانکه در ماده ۶۴ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه است. در این ماده مفهوم دعوای متقابل^۷ بدین گونه بیان شده است: «دعوای متقابل درخواستی است که خواننده اصلی به منظور تحصیل فایده‌ای غیر از رد صرف خواسته طرف مقابل خود طرح می‌کند».

1. Détruire l'action

2. Le rejet de la prétention adverse.

3. Faire déclarer l'action mal fondée.

4. Faire déclarer non recevable.

5. La contradiction à la demande.

6. La symétrie entre le droit d'action du demandeur et celui du défendeur.

7. La demande reconventionnelle.

همچنین برای دیدن مفهوم دعوای متقابل در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی در این باره رک: غمامی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۵؛

محسنی، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۶۷.

بنابراین، می‌توان گفت دعوی متقابل، همزمان ویژگی دفاع (رد ادعای طرف مقابل) و درخواست (ادعای جدید)^۱ را دارد؛ یعنی هم موجب رد ادعای اصلی می‌شود و هم مزیتی اضافی را نصیب خواهان دعوی تقابل می‌کند. بدین ترتیب، چنانچه درخواستی صرفاً سبب رد ادعای اصلی باشد، تنها دفاع محسوب می‌شود، حتی اگر در شکل و قالب دعوی متقابل مطرح شود.

منتها، دعوی متقابل همیشه، آن‌گونه که در ماده ۶۴ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه آمده است، سبب رد دعوی اصلی نمی‌شود، بلکه گاه در موارد نادر و کمیاب، دعوی خوانده تنها با دعوی اصلی مرتبط است و هر دو طرف خواسته‌های خود را مطرح می‌سازند، ولی سرنوشت دو دعوا به یکدیگر وابسته نیست و پذیرش یک خواسته به معنای رد خواسته دیگر نیست (Guinchard, Chainais et Ferrand, 2008: 1004).

۲.۲. ایراد آیین دادرسی

در قوانین آیین دادرسی ایران، ایراد یا «ایراد آیین دادرسی»^۲ تعریف نشده است. دادرسی‌دانان ایرانی به‌طور معمول، در سرآغاز بحث ایرادات آیین دادرسی به معنای لغوی ایراد و مفهوم آن در اصطلاح حقوقی پرداخته‌اند. مرحوم دکتر متین دفتری، بدون اشاره به معنای لغوی ایراد، در تعریف آن نوشته است: «ایراد این است که خوانده ادعای خواهان را ماهیتاً نفی نمی‌کند، بلکه اظهار می‌دارد که دعوا به‌نحوی که اقامه شده درخور پاسخ دادن نیست یعنی در این حال الزامی به پاسخ ندارد و آن را موکول به بعد می‌نماید» (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۲۴۹). استاد دیگری نیز پس از بیان معنای لغوی ایراد، در اصطلاح، مفهوم ایراد را با پیروی از سنت مشهور فرانسوی بدین‌گونه توصیف می‌کند: «ایراد عبارت است از وسیله‌ای که خوانده، معمولاً، در جهت ایجاد مانع، موقتی یا دائمی، بر جریان رسیدگی به دعوی مطروحه و یا بر شکل‌گیری مبارزه در اصل

1. demande quelque chose en plus.

۲. باید افزود که گاه دعوی متقابل، هیچ فایده دفاعی ندارد و به موجب آن خوانده صرفاً در پی مزیتی خاص خود است و بدین ترتیب، ممکن است دادگاه پس از رسیدگی حکم به رد یا پذیرش هر دو ادعا صادر کند. در ایران، استادان آیین دادرسی، بر وجه دفاعی دعوی تقابل تأکید دارند و معتقدند که دعوی تقابل دفاع است. با این حال، وجه غالب دعوی تقابل حمله است و نه دفاع. در حقیقت، ممکن است دعوی تقابل صرفاً برای کسب امتیاز خاص باشد، ولی سبب رد ادعای اصلی نیز نباشد. ویژگی اصلی و جوهر دعوی تقابل درخواست چیزی دیگر است. در این مورد رک: Guinchard, Chainais et Ferrand, 2008: 1003.

3. L'exception de procedure.

در فرانسه تا پیش از تصویب کد نوین آیین دادرسی مدنی، ایراد (اکسپسیون) بدون قید و به‌تنهایی به‌کار می‌رفت. اما ایراد در معنای بسیار گسترده، دربرگیرنده دفاع ماهوی، عدم پذیرش و ایراد آیین دادرسی است (Glasson et Tissier, 1925: 581). به همین سبب و برای برجسته ساختن تفاوت ایراد و جهات دفاعی در کد نوین آیین دادرسی مدنی فرانسه ایراد با قید آیین دادرسی می‌آید.

و ماهیت حق مورد ادعا به منظور بازداشتن موقت یا دائم خواهان از پیروزی به کار گیرد» (شمس، ۱۳۹۲: ۴۵۶). به نظر دکتر صدرزاده افشار «ایرادات و موانع، مسائل مورد اختلافی هستند که از دعاوی اصلی ناشی شده و مشکلاتی ایجاد می‌کنند که مانند سدی جلوی جریان دادرسی را گرفته، آن را متوقف ساخته، سبب اطاله کار می‌شوند و پس از رفع موانع و ایرادات، جریان عادی به صورت عادی به پیش می‌رود» (صدرزاده افشار، ۱۳۹۵: ۳۲۱).

چنانکه روشن است تعریف‌های مذکور، بر مبنای اثر ایراد آیین دادرسی تمرکز دارند تا ماهیت آن. از این نظر، اگر بنا باشد که همین تعاریف مبنای قرار گیرد، باید پذیرفت که ایراد آیین دادرسی به خلاف دفاع ماهوی ادعای طرف مقابل را نفی نمی‌کند و تنها ناظر بر اعمال آیین دادرسی و رسیدگی است و ارتباطی با خواسته ندارد. به بیان دقیق‌تر، موجب رد ادعا نمی‌شود، بلکه رسیدگی^۱ (به تعبیر برخی دعا^۲) را از بین می‌برد یا معلق می‌کند یا سبب تأخیر آن می‌شود.^۳ با این حال، پاره‌ای جهات که در اصطلاح ایراد نامیده می‌شوند و در ماده ۸۴ نیز

1. l'instance.

۲. با توجه به معانی متعدد واژه دعا در حقوق دادرسی ایران و از آنجا که هر دو واژه فرانسوی l'action و l'instance در زبان فارسی دعا ترجمه شده است، «فرایند دعا» یا «دعای طرح‌شده» یا «رسیدگی آغازشده» به عنوان معادل فارسی کلمه l'instance پیشنهاد شده و کلمه l'action به «دادخواهی» یا «حق طرح دعا» ترجمه شده است. استاد محترم، جناب آقای دکتر شمس برای دعا دو مفهوم اعم و اخص قائل‌اند. در مفهوم اعم دعا به معنای منازعی و اختلافی است که در مرجع قضای مطرح شده و تحت رسیدگی بوده یا است و در مفهوم اخص دعا به معنای توانایی قانونی مدعی حق تضییع یا انکارشده در مراجع صالح در جهت به قضاوت گذاردن وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط است. برای طرف مقابل، دعا توانایی مقابله با آن است (شمس، ۱۳۹۲: ۲۷۶-۲۷۵). استاد محترم، جناب آقای دکتر محسنی نیز در برابر کلمات l'action و l'instance به ترتیب کلمات فارسی «دادخواهی» و «رسیدگی آغازشده» را پیشنهاد کردند (محسنی، ۱۳۹۳: ۳۸). در این مقاله، در برابر l'action از واژه فارسی دادخواهی و در مقابل l'instance از واژه رسیدگی استفاده می‌شود. در اینجا منظور از رسیدگی همان است که کادیه و همکاران گفته‌اند: «رسیدگی زنجیره اعمالی است که طرفین و دادرس از درخواست آغازگر رسیدگی تا تصمیم قضایی انجام می‌دهند. (Cadiet, Normand et Amrani Mekki, 2013: 388). این اعمال ظاهر قابل رؤیت رسیدگی هستند و به واسطه توالی آنها، شکل‌ها و مواعد به صورت ظریفی در هم آمیخته می‌شوند (Cadiet, Normand et Amrani Mekki, 2013: 387).

۳. مفهوم و طبیعت ایراد آیین دادرسی خود موضوع تحقیقی جداگانه است، به‌ویژه اینکه تاکنون هیچ‌یک از پژوهندگان آیین دادرسی ایران به مفهوم و طبیعت آن توجهی نداشته و تقریباً تمام استادان ایرانی، با تکیه بر تأثیری که ایراد بر دعا یا رسیدگی دارد، آن را تعریف می‌کنند. با این حال، روشن است که ارائه تصویری کامل از ماهیت و طبیعت یک نهاد حقوقی، تنها برحسب اثر یا کارکرد آن ممکن نیست. هرچند این کار در بسیاری از موارد مرسوم است، ولی روشن است که در این صورت، تعریف به ذات موضوع خود راه نمی‌برد و برای شناخت دقیق، حتی پس از تعریف، همچنان توضیح بیشتری ضروری است. برای مثال، تعریف بیع در قانون مدنی نیز این چنین است. ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع را تملیک شیء به عوض معلوم تعریف کرده است. این تعریف نیز مبتنی بر اثر است و براساس آن وجه تمایز بیع و معاوضه که اثری مشابه دارند، مشخص نمی‌شود. هرچند موضوع تحقیق حاضر تفاوت سه‌گانه آیین دادرسی با تکیه بر آثار آنهاست، اما این تفاوت آثار به ماهیت متفاوت آنها مرتبط است. به همین سبب، اگر بخواهیم تصویر کلی از مفهوم ایراد آیین دادرسی را با توجه به طبیعت و ماهیت آن ارائه دهیم، باید بگوییم: «ایراد آیین دادرسی درخواستی طاری است که از سوی هریک از دادخواهان مطرح شده و به واسطه آن، ادعایی در خصوص رسیدگی مطرح می‌شود که برحسب طبیعت خود باید پیش از ماهیت بررسی شود». بر پایه

آمده‌اند، مانند فقدان نفع، عدم توجه دعوا یا انقضای مهلت قانونی اقدام، موجب رد همیشگی ادعا هستند؛ امری که ناهمگونی و آشفتگی جهات دفاعی در ایران را نشان می‌دهد. علت این آشفتگی، بی‌توجهی به جهاتی است که از یک سو به دلیل عدم ورود دادرسی به ماهیت ادعا، دفاع ماهوی شمرده نمی‌شود، ولی بنا بر اثری دیگر خود ادعا آن را برای همیشه از بین می‌برد و از سوی دیگر، به خلاف ایراد آیین دادرسی، صرفاً ناظر بر رسیدگی نیست و اثری فراتر از آن دارد. این جهت که در فرانسه عدم پذیرش نام دارد، ماهیتی مختلط دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲.۳. عدم پذیرش یا مانع پذیرش

چنانکه گفته شد در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، جهاتی وجود دارد که هرچند اثری کاملاً مشابه دفاع ماهوی دارد، ولی دفاع ماهوی نیست؛ بدین معنا که ادعای طرف مقابل را از بین می‌برد، اما نه با تعرض مستقیم به آن و منهدم کردن آن، بلکه از طریق تعرض به حق دادخواهی درصدد جلوگیری از موفقیت خواهان هستند. بنابراین، جهات مذکور، به خلاف ایرادات آیین دادرسی، ارتباطی به اقدامات دادخواهان در فرایند رسیدگی ندارند. به بیان دیگر، در چنین مواردی، خواننده حق اقدام در دادگستری از جانب خواهان را انکار می‌کند. در حقیقت، اشکال و پرسش اصلی در ماده ۸۴، این است که چگونه برخی جهات مانند اعتبار امر قضاوت‌شده یا بی‌نفعی خواهان را که زمینه ادعای وی را از بین می‌برند، می‌توان در کنار ایراد عدم صلاحیت، سبق طرح دعوا یا امر مرتبط، در ظرف مشترکی به‌عنوان ایرادات قرار داد. بی‌تردید این ناهمگونی و عدم تناسب پذیرفتنی نیست. اشکال نظری پیش‌گفته مبنایی قوی دارد که ذهن را به سوی مبانی مختلف عدم پذیرش و تفاوت آن از ایرادات آیین دادرسی رهنمون می‌سازد. بر پایه توجه به این مبانی متفاوت، در کد نوین آیین دادرسی مدنی فرانسه، ایرادات آیین دادرسی از جهاتی که عدم پذیرش خواننده می‌شوند، تفکیک شده‌اند. در حقوق ما به‌رغم فقدان چنین مباحثی، وضعی مشابه در دسته‌بندی ایرادات وجود دارد. به تعبیر استاد شمس برخی از ایرادات موجب بروز مانع همیشگی در طرح مجدد دعوا می‌شوند مانند عدم توجه دعوا، فقدان نفع و امر قضاوت شده (شمس، ۱۳۹۲: ۴۳۳). اما ایشان به‌صورت دقیق به این موضوع نمی‌پردازند که ایراداتی با چنین اثری شدید بر ادعا، چه تفاوتی با دفاع ماهوی دارند؟ اگرچه اثر دفاع ماهوی و آنچه در وضع کنونی حقوق دادرسی ایران ایراد امر قضاوت‌شده یا

تعریف مذکور، ایراد همچون دادخواهی ماهوی، نوعی دادخواهی آیینیک است. به بیان دیگر، چنانچه هریک از دادخواهان مستند به قانون ادعای حقی (آیینیک) در رابطه با فرایند رسیدگی داشته باشد، از طریق ایراد آیین دادرسی آن را مطرح می‌کند و دادرسی پس از رسیدگی درباره درستی یا نادرستی ادعای اظهارنظر می‌کند.

ایراد بی‌نفعی نامیده می‌شود، یکسان است، اما ماهیت آنها تفاوت آشکاری دارد، این گروه از سویی به دلیل اینکه سبب رد ادعا بدون ورود دادگاه در ماهیت هستند، ایراد آیین دادرسی شمرده می‌شوند و از سوی دیگر، اثری مشابه دفاع ماهوی دارند؛ در واقع نه این است و نه آن. ایراد آیین دادرسی نیست، چون ارتباطی با قانونی بودن رسیدگی و لزوم رعایت شرایط از پیش مقرر در انجام اعمال آیین دادرسی ندارد^۱، همچنین دفاع ماهوی نیست، زیرا با وجود رد ادعا، در درستی مبنای حق ادعایی اظهارنظری نمی‌شود. به بیان دیگر، جهاتی هستند که بدون بررسی ماهیت، ادعای مطروحه را مردود می‌کنند. بنابراین، اگر بنا باشد که جهات دفاعی را براساس اثری که بر دادرسی دارد، دسته‌بندی کنیم، عدم پذیرش و دفاع ماهوی را باید در یک دسته قرار داد و ایراد آیین دادرسی را در دسته دیگر. به همین سبب، در کد نوین آیین دادرسی مدنی فرانسه، ایرادات آیین دادرسی، چنین اثری ندارند و تنها موجب ایجاد مانع در رسیدگی یا تأخیر و تعلیق آن می‌شوند و هیچ‌گاه به واسطه آنها به ماهیت ادعا و قابلیت پذیرش درخواست مطروح تعرضی نمی‌شود. در حقیقت، نگاهی سطحی و گذرا به مواد باب پنجم کد نوین آیین دادرسی مدنی فرانسه (مواد ۱۲۶-۷۱) نشان می‌دهد که نویسندگان آن، ایراد آیین دادرسی را متفاوت با جهات دفاعی دانسته و آنها را در سه دسته متفاوت قرار داده‌اند. در این میان دفاع ماهوی و عدم پذیرش تنها از اختیارات خواننده دعواست و صرفاً کارکرد دفاعی در برابر ادعا دارد، زیرا نقش عادی خواننده به‌عنوان بازیگر دادرسی، دفاع است (Héron et Le Bars, 2006: 96).^۲ دلیل این سخن، در دل مواد ۷۱ و ۱۲۲ کد^۳ نهفته است. در هر دو ماده پیش‌گفته، دفاع ماهوی و عدم پذیرش از طریق ارتباط با ادعای طرف مقابل^۴ تعریف شده‌اند (Akousson, 2016: 58). در حقیقت، بی‌شک اثر دفاع ماهوی و عدم پذیرش رد ادعای خواهان است و

۱. روشن است که عمل آیین دادرسی و انجام صحیح آن امری اصلاح‌پذیر و در اختیار درخواست‌کننده است، مانند فقدان مدرک مثبت سمت. اما شرایطی مانند ذی‌نفعی خواهان ارتباطی با عمل آیین دادرسی ندارد. در صورت فقدان نفع، دعوی قابل پذیرش نیست. همچنین است در موارد امر قضاوت‌شده یا انقضای مهلت، که مانع دادخواهی می‌شود. خصیصه اصلی این جهات که آنها را در برابر ایرادات آیین دادرسی قرار می‌دهد، تنها اثر همیشگی و دائمی آنها نیست، از نظر ماهیت نیز تفاوت‌های اساسی میان آنها وجود دارد. به بیان دیگر، اشکال نه در نحوه مطالبه و اجرای حق دادخواهی، بلکه در نبود اصل حق دادخواهی (حق اقدام) نهفته است.

2. "le rôle normal du défendeur consiste à défendre, c'est-à-dire obtenir le simple rejet de la prétention adverse".

۳. ماده ۷۱ کد آیین دادرسی مدنی: «هر جهتی که پس از ورود به ماهیت ادعا، دعوی طرف مقابل را به‌عنوان دعوی غیرقابل توجیه رد می‌کند دفاع ماهوی است».

ماده ۱۲۲ همان کد: «هر جهتی که درخواست طرف مقابل را بدون ورود در ماهیت به دلیل فقدان حق اقدام و سمت و نفع و گذشت مرور زمان از پیش مقرر شده و امر قضاوت‌شده غیرقابل پذیرش اعلام می‌کند، موجب عدم پذیرش است».

4. '... se définissent par rapport à la prétention adverse ...'.

از این رو دفاع شمرده می‌شوند.^۱ تنها تفاوت آنها در ورود یا عدم ورود دادگاه به ماهیت است. در جهت مخالف ماده ۷۳ کد در مقام تعریف ایراد آیین دادرسی، اثر آن را تنها بر رسیدگی و اعمال آیین دادرسی (تأخیر، تعلیق و زوال رسیدگی یا بطلان عمل آیین دادرسی) اعلام کرده و درباره تأثیر بر ادعا یا مناقشه با طرف دیگر آن (خواهان)، سخنی نگفته است. به همین دلیل، یکی از نویسندگان ایراد آیین دادرسی را «مهمان ناخوانده» (یا وصله ناجور) گروه جهات دفاعی^۲ نامیده است (Akuesson, 2016: 58) با این تحلیل، تنها دفاع ماهوی و عدم پذیرش را می‌توان جهات دفاعی شمرد. با این ترتیب، به‌طور خلاصه درباره مفهوم عدم پذیرش می‌توان گفت ضمانت‌اجرایی است که دادرس در صورت نبود حق درخواست (حق اقدام) اعمال کرده و دادخواهی را به‌عنوان درخواست غیرقابل پذیرش، رد می‌کند. بنابراین، برای هر دعوایی به‌صورت همزمان، سه شرط قانونی بودن آیین دادرسی یا رسیدگی، قابلیت پذیرش و درستی مبنا ادعا لازم است، که فقدان آنها به‌ترتیب از طریق «ایراد آیین دادرسی»، «عدم پذیرش» و «دفاع ماهوی» قابل استناد است. به بیان دیگر، برای پیروزی در دعوا، دادخواست باید «صحیح»^۳، «قابل پذیرش»^۴ و در عین حال، از «نظر ماهوی درست و موجه»^۵ باشد. با این تحلیل، دفاع ماهوی، به حقوق ماهوی مورد استناد در دعوا توجه دارد، ایراد آیین دادرسی صحیح و قانونی بودن آیین و فرایند دادرسی را به چالش می‌کشد و سومین مانع، نبود حق دادخواهی برای خواهان به معنای توانایی ملزم کردن دادرس در رسیدگی و تصمیم‌گیری در ماهیت دعوا را با وجود صحیح بودن اعمال آیین دادرسی مطرح می‌کند (Motulsky, 1973: 96).

۳. تمایز سه‌گانه آیینیک در حقوق دادرسی کنونی

بر پایه آنچه گفته شد، تفکیک ایرادات آیین دادرسی و عدم پذیرش مبنایی قوی دارد. در واقع، آثار متفاوت این دوچندان برجسته و چشمگیر است که جمع آنها در قالب مشترک به نام ایراد، بدان‌گونه که در ماده ۸۴ خواهیم دید، غیرمنطقی و نادرست است. ایرادات امر مطروحه، نقص شکلی و ماهوی عمل آیین دادرسی یا فقدان مدرک مثبت سمت چندان شابهتی با مهلت‌های دادخواهی، اعتبار امر قضاوت‌شده یا حتی عدم توجه دعوا ندارند. موارد اخیر مانع پذیرش

۱. این ویژگی در مورد دفاع بدیهی و نیازمند توضیح بیشتری نیست، اما چنانکه گفتیم، دکتین دادرسی فرانسه دفاع ماهوی و عدم پذیرش را از حیث نتیجه و اثر یکی می‌دانند (Solus et Perrot, 1961: 291).

2. Un intrus dans la catégorie des moyens de défense.

3. Régulière.

4. Recevable.

5. bien fondée.

به‌شمار می‌آیند؛ بدین‌سان که حق درخواست یا حق اقدام از سوی مدعی وجود ندارد. به این معنا که پس از آنکه دادخواستی صحیح و قانونی به مرجع قضایی تقدیم شد و آن مرجع خود را صالح دانست، با این مانع روبه‌رو می‌شود که دادخواه فاقد نفع قانونی است یا حکم قطعی در آن قضیه، پیشتر توسط همان مرجع یا مرجع قانونی دیگر صادر شده است، در این موارد، به خلاف جایی که عمل آیین دادرسی ناقص باشد، دادگاه، بر این مبنا که حق درخواست و دادخواهی وجود ندارد، برای همیشه ادعا را رد می‌کند. در حقوق ما، هرچند این تفکیک به‌صورت عملی پذیرفته شده است، اما تمامی آثار آن در نظر گرفته نمی‌شود.^۱ بدین ترتیب، از نظر نگارندگان زمان آن فرا رسیده که از دامن ایراد آیین دادرسی را از جهاتی که ارتباطی به درست و قانونی بودن آیین دادرسی و رسیدگی ندارند و به دلیل نبود حق، دادخواهی را منتفی می‌کنند، پاک کرد.

۳.۱. مصادیق ناظر بر رسیدگی

مطابق اصول آیین دادرسی مدنی، دادرس برای آنکه ادعایی را بررسی کند، به‌عنوان نخستین شرط و پیش از هر چیزی اقدامات خواهان باید قانونی باشد. بدین ترتیب، خواهان مکلف است شرایط قانونی دادخواست و اعمال آیین دادرسی را با رعایت شکل صحیح و قانونی انجام دهد. بنابراین، چنانچه دادخواست‌دهنده شرایط شکلی را رعایت نکند، در گام نخست با شکست مواجه می‌شود و نوبت به رسیدگی نمی‌رسد. همچنین است اگر سمت دادخواست‌دهنده محرز نباشد. در این موارد، دادرس بدون اتلاف وقت و بررسی ذی‌حق بودن یا نبودن خواهان درخواست وی را به دلیل رعایت نکردن قواعد آیین دادرسی رد می‌کند. اگرچه دامنه ایرادات صرفاً به موارد مذکور محدود نمی‌شود و برخی ایرادات آیین دادرسی، با وجود صحیح بودن اعمال آیین دادرسی، بر مبنای دلایل دیگر مطرح می‌شوند. برای مثال، در ایراد امر مرتبط یکی از متداعیین یا هر دو، دو یا چند دعوای صحیح مرتبط طرح می‌کنند و مقنن به‌منظور پیشگیری از صدور آرای متعارض ترتیبی اتخاذ می‌کند که این وضعیت ناگوار (صدور آرای متعارض و گاه غیرقابل اجرا) به‌وجود نیاید.^۲ بنابراین، به‌طور کلی ایراد آیین

۱. استاد کاتوزیان اعتبار امر قضاوت‌شده را یک قاعده ماهوی دانسته‌اند که دارای دو اثر منفی و مثبت است. اثر منفی و دفعی مانع از طرح مجدد دعوا می‌شود و به موجب آن کسی که محکوم شده است، نمی‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، دوباره آن را از دادگاه بخواهد. اثر مثبت و تحلیلی، که مطابق آن، دادگاه باید از تمام تصمیم‌هایی که در گذشته گرفته شده است پیروی کند و دعوا را برحسب نتایج حاصل از آن به پایان رساند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۵۲). بر پایه اثر نخست، مبنای قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده جلوگیری از تکرار دعواست، از این جهت اعتبار امر قضاوت‌شده به دعوا و دادرسی ارتباط بیشتری پیدا می‌کند تا به حکم، زیرا در این صورت اثر مستقیم آن از بین بردن حق اقامه دعواست (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۶).

۲. برای مطالعه در این باره رک: محسنی، ۱۳۹۱: ۶۹-۹۸.

دادرسی، امری مربوط به فرایند رسیدگی است و ارتباطی به ادعای طرف مقابل ندارد. به همین سبب، نه تنها، صرفاً مختص خوانده نیست و خواهان نیز حق ایراد دارد، بلکه رد دعوا به دلیل ایراد آیین دادرسی تأثیری در پیگیری مجدد دعوا از سوی مدعی ندارد و وی می‌تواند در آینده همان دعوا را مطرح کند. به این ترتیب، تنها پنج بند از ۱۱ بند مذکور در ماده ۸۴ را می‌توان در شمار ایرادات آیین دادرسی قرار داد (بندهای ۱، ۲، ۳، ۵ و ۹: ایرادات عدم صلاحیت ذاتی و محلی، امر مطروحه، عدم اهلیت و فقدان سمت و فقدان جزمیت دعوا). همچنین، شمار ایرادات منحصر به موارد پیش‌گفته نیست. به‌طور کلی هر درخواستی که پذیرش آن موجب تأخیر، تعلیق یا زوال رسیدگی شود، ایراد آیین دادرسی است. ایراد رد دادرسی، اعتراض به بهای خواسته و حتی درخواست تأخیر رسیدگی از سوی خواهان یا خوانده برای استمهال (مطابق ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی)، همگی ایراد آیین دادرسی‌اند.

۳.۲. مصادیق ناظر بر مانع دادخواهی

پس از احراز درستی تقدیم دادخواست و انجام اقدامات اولیه خواهان با رعایت تمامی شرایط آیین دادرسی، دادرسی با پرسشی دیگر روبه‌رو می‌شود. پرسش دوم این است که آیا دادخواست‌دهنده حق اقدام یا حق درخواست از دادگاه دارد. اگرچه مطابق قانون اساسی دادخواهی حق مسلم است (اصل ۳۴)، از منظر حقوق دادرسی، قانون آیین دادرسی مدنی حق دادخواهی را با قیود قانونی پذیرفته و در این راه، وجود پاره‌ای شرایط خاص لازم است. نخستین و مهم‌ترین شرط دادخواهی، وجود نفع است. مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، دادخواهی حق ذی‌نفع است. بنابراین، کسی که فاقد نفع است، حق مشغول ساختن دادگاه و دادرسی را ندارد و اگر نباشد، دادرسی ادعای مدعی را بدون بررسی ماهوی رد می‌کند. متقابلاً خوانده نیز باید ذی‌نفع باشد، بنابراین، طرح دعوا به طرفیت شخصی که رد یا پذیرش ادعا تأثیری در وضعیت وی ندارد، امکان‌پذیر نیست و چنین ادعایی نیز مردود است (بند ۴ ماده ۸۴: عدم توجه دعوا^۱). همچنین، اعتبار امر قضاوت‌شده، بدین‌معناست که مدعی حق طرح مجدد همان دعوا را ندارد و انقضای مهلت قانونی دادخواهی نیز مسقط حق درخواست است، مانند انقضای مهلت شکایت از آرا. در تمامی موارد پیش‌گفته، حق درخواست به‌صورت دائمی از بین رفته است و امکان دادخواهی وجود ندارد. بر این مبنا اگر دادرسی، پس از احراز هریک از موارد مذکور قرار رد دعوا یا عدم استماع صادر کند، اثر آن با حکم به رد دعوا یکسان است، همچنین تکرار آن دعوا بی‌ثمر است. تنها تفاوت در این است که در موارد اخیر، دادگاه

۱. با توجه به تمایز ایراد آیین دادرسی و عدم پذیرش، در تحقیق حاضر قید ایراد پیش از جهاتی مانند اعتبار امر قضاوت‌شده، عدم توجه دعوا یا انقضای مهلت و فقدان نفع به‌کار نمی‌رود.

بی‌حقی مدعی را اعلام نمی‌کند، بلکه مدعی را فاقد حق درخواست چنین ادعایی می‌داند. رد یا عدم پذیرشی که ناشی از این جهت خاص باشد، تنها به لحاظ اثر، مشابه دفاع ماهوی است، اما فرق این دو روشن است؛ در جایی که دادرس پس از بررسی مبنا و ماهیت ادعای خواهان حکم صادر می‌کند، او ضمن تمییز حق، رد یا تأیید خواسته را اعلام می‌کند، اما در عدم پذیرش او صرفاً به صورت قاطع و برگشت‌ناپذیر ادعا را غیرقابل قبول می‌شمارد و حقی تمییز نمی‌دهد تا اعلام کند. در حقیقت، او پیش از رسیدگی به حق ادعایی، موجودیت حق دادخواهی مدعی را بررسی می‌کند که در صورت فقدان آن، دیگر نوبت به بررسی به حق ادعایی نخواهد رسید. نمونه‌های فقدان حق اقدام در حقوق ما فراوان است: قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده، مهلت‌های شکایت از آرا یا مهلت‌های مذکور در ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی و برخی مهلت‌های مربوط به مسئولیت تضامنی ظهرونیسان اسناد تجاری، فقدان نفع، انصراف از حق دادخواهی (به موجب اسقاط یکجانبه یا توافق طرفین). در حقیقت، واضح است که حق طرح دعوا و ذی‌حق بودن در ماهیت دو امر مجزا و مستقل‌اند و برای پیروزی در هر دادخواهی، مدعی باید هر دو را توأمان دارا باشد. بر این پایه، بندهای ۴، ۶، ۱۰ و ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر بر حق دادخواهی است. بدین ترتیب، در چنین مواردی دادگاه به دلیل فقدان حق درخواست (اقدام) خواهان، خود را ملزم به رسیدگی نمی‌داند و ادعا را به صورت قطعی و همیشگی رد می‌کند و قرار دادن آن در نهاد ایرادات آیین دادرسی ناصواب است.

۳.۳. مصادیق ناظر بر ماهیت

دفاع ماهوی در حقوق ایران و فرانسه، ناظر بر اصل حق مورد ادعاست. به این ترتیب زمانی که خواهان و خوانده درباره حق و خواسته اصلی وارد گفت‌وگو می‌شوند یا دادرس به دلایل حکمی یا موضوعی، خواسته را مردود می‌داند، صحبت از دفاع ماهوی یا به طور کلی ماهیت دعوا در میان است. بنابراین، اگر خواهان مدعی هبه یک مال باشد و خوانده در دفاع بگوید که قبض انجام نگرفته تا هبه اثر داشته باشد، گفت‌وگو در ماهیت حق است. در پایان چنین گفت‌وگویی دادگاه باید حکم صادر کند. همچنین است اگر خوانده مدعی باشد که حق درخواست‌شده مشروع نیست. به باور نگارندگان، از منظر حقوقی، حق نامشروع وجود ندارد یا حق غیرمشروع، حقی غیرقانونی است.^۱ در حقیقت، مشروعیت حق مورد ادعا، امری مربوط

۱. به همین دلیل برخی حقوقدانان فرانسوی لزوم قانونی بودن نفع را نیز به عنوان شرط دادخواهی رد می‌کنند. کادیه و ژولان منظور از نفع قانونی و درست (un intérêt légitime) مذکور در ماده ۳۱ کد آیین دادرسی را ناظر بر شرایط قانونی نفع می‌دانند، بدین معنا که منظور نفعی است که به وجود آمده و باقی باشد، بنابراین، دعوی خسارت یکی از زن و مردی که به صورت عملی با هم رابطه زناشویی دارند، به علت فقدان حق ماهوی، مردود است (Cadiet et Jeuland, 2011: 253).

ماهیت است. بنابراین، اگر شخصی انتساب فرزندی نامشروع خود را از دادگاه بخواهد، دادرس حکم به بی‌حقی وی صادر می‌کند نه قرار عدم استماع. همچنین است مواردی که بیع به دلیل جهت نامشروع باطل است، دادگاه در دعوی الزام به تحویل مبیع به دلیل نامشروع بودن جهت معامله، حکم به بی‌حقی می‌دهد. بنابراین، بندهای ۷ و ۸ قانون آیین دادرسی مدنی، اموری هستند که به ماهیت دعوا مربوط می‌شوند نه آیین دادرسی و ایراد به آن. برای مثال، اگر حق مورد نظر مدعی مطابق قانون به درستی ایجاد نشده باشد، وی ذی‌حق نیست، مانند فرضی که در بند ۷ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است. عدم مشروعیت ادعا و خواسته (بند ۸) نیز چنین وضعیتی دارد، چون حق نامشروع قابل تصور نیست. به‌طور کلی در تمام مواردی که حق مورد ادعا به درستی مطابق قاعده حقوقی تعیین‌کننده شکل نگرفته باشد، دادگاه حکم بر بی‌حقی مدعی آن صادر می‌کند. در این صورت، این بدان معناست که فرایند رسیدگی با رعایت قانون به اتمام رسیده و در عین حال خواهان نیز حق اقدام در دادگستری برخوردار بوده، لیکن حقی برای او وجود ندارد یا به اثبات نرسیده است. این وضعیت روند طبیعی هر دادرسی است که عمل آغازگر رسیدگی خواهان شروع و سرانجام با تمییز حق به فصل خصومت منتهی می‌شود.

۴. سه‌گانه آیین دادرسی در رویه قضایی

چنانکه گفته شد، صدور قرار عدم استماع و گاه رد دعوا بر مبنای فقدان نفع یا برخی دیگر از شرایط قانونی درخواست بسیار فراوان دیده می‌شود. در اینجا چند نمونه نقل می‌شود. بعضی جهات مستند به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی را ایرادات قضایی نامیده‌اند (عموزاده مهدیرچی، ۱۳۹۴: ۱۷). به نظر ایشان، ایرادات قضایی، مستند به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی در برابر ایراد قانونی مستند به ماده ۸۴ قرار می‌گیرند و در این خصوص می‌نویسند: «کشف علل صدور قرار عدم استماع دعوا و مصادیق آن‌ها فقط در رویه قضایی است و از شئون محاکم است» (عموزاده مهدیرچی، ۱۳۹۴: ۱۷). همچنین، بنابر دیدگاه این نویسنده، این دسته از ایرادات با رسیدگی ماهوی به دست می‌آیند (عموزاده مهدیرچی، ۱۳۹۴: ۱۷).

تناقضی آشکار در این سخن نهفته است؛ چه، به باور نگارندگان، در بسیاری از ایرادات ناظر بر خواسته، دادگاه پس از رسیدگی ماهوی باید حکم به بی‌حقی صادر کند و نه قرار عدم استماع. برای مثال، نویسنده یکی از آرای را که در آن قرار عدم استماع دعوا صادر کرده است، چنین می‌آورد: در این پرونده، خواسته خواهان استرداد زمین بوده است، بر این مبنای که زمینی که خریداری کرده است، کمتر از مقدار تعیین شده در قرارداد است. مطابق ماده ۳۸۴ قانونی مدنی، در صورت کسری «... مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیة

حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید...». با وجود این، خواسته خواهان (مشتری) در پرونده مورد بحث، دادن زمین بوده است. با توجه به مقررات قانون مدنی، وی چنین حقی نداشته است، خواسته او باید فسخ معامله یا استرداد قسمتی از ثمن پرداختی باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۲۲). از این رو، دادگاه پس از رسیدگی و احراز موضوع، به این نتیجه رسید که خواهان حق مطالبه زمین اضافی را ندارد. با وجود این، به جای صدور حکم به بی‌حقی خواهان، قرار عدم استماع دعوی وی را صادر کرده‌اند (عموزاده مهدیرچی، ۱۳۹۴: ۴۱۴-۴۱۱). در حقیقت، خواهان ادعایی را مطرح کرده و اعطای چیزی را از دادگاه درخواست کرده، که حقی در آن نداشته است و دادگاه نیز پس رسیدگی ماهوی، باید حکم صادر می‌کرد، نه قرار عدم استماع دعوا. یکی دیگر از دادرسان پیشین دادگستری نیز در مثال‌هایی که برای عدم استماع دعوا آورده است، مسئله ذی‌حق بودن یا نبودن خواهان و قابلیت پذیرش دعوی او را به هم آمیخته است. برای نمونه، بیع فضولی، مثالی است که ایشان برای عدم استماع دعوا می‌آورند (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۲۳۷). بدین ترتیب که اگر خواهان (خریدار فضولی) درخواست الزام مالک به تنفیذ معامله را کند، چنین خواسته‌ای، با این صراحت کمتر مطرح می‌شود و خواهان معمولاً باید با ادعای اینکه فضول نماینده مالک بوده یا با این ادعا که مالک، بیع را تنفیذ کرده طرح دعوا کند و نه اینکه الزام وی به تحویل مبیع یا الزام به تنفیذ معامله را بخواهد. با این حال، این فرض نیز محال نیست و چنانچه چنین دعوایی مطرح شود، قطعاً دادگاه باید حکم به بی‌حقی صادر کند، زیرا چنین حقی برای خواهان وجود ندارد و این امر پس از رسیدگی ماهوی روشن می‌شود.^۱ به باور پژوهندگان، علت وجود چنین آرا و نظرهایی نزد قضات، تنظیم نادرست ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی است، به‌ویژه بند ۷ آن که مقرر می‌دارد: «دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد از قبیل: وقف و هبه بدون قبض». بر این بنیاد معلوم نیست چنانچه شخصی با ادعای هبه یا وقف مالی به دادگاه مراجعه کند و دادرس پس از رسیدگی احراز کند که عین موهوبه یا موقوفه به قبض خواهان داده نشده است، در این صورت باید حکم به حقی صادر شود یا قرار رد یا عدم استماع دعوا. تحقیقاً در چنین دعوایی خواهان بی‌حق است، اما مقنن به اشتباه این بحث را ذیل ایرادات آورده است. فایده قرار رد یا عدم استماع در چنین فرضی چیست؟ پرواضح است که اگر خواهان خود در دادخواست اقرار به عدم قبض کند، دادگاه او را بی‌حق تشخیص می‌دهد و همین باید در حکم دادگاه اعلام شود. منطقی است چنین آرا و نظرهایی به‌روشنی هویدا است. بدین ترتیب، هرچند در پاره‌ای فروض ساخته و

۱. تنها یک حق برای طرف معامله فضولی در مقابل مالک وجود دارد. در این زمینه ماده ۲۵۲ مقرر می‌دارد: «لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد، مشارالیه می‌تواند معامله را به‌هم بزند». در فرض اخیر، ذی‌حق می‌تواند دعوی فسخ خود را به دادگاه تقدیم کند که دادرس پس از بررسی ماهیت حکم به ورود یا رد آن صادر می‌کند.

پرداخته ذهن، به سرعت، بی حقی کشف می شود، ولی این سرعت نباید سبب تفاوت با سایر مواردی گردد که دادگاه پس از رسیدگی طولانی به حکم می رسد. باری، گرچه در هر دو حکم بی حقی صادر می شود و در هر دو، دعوی خواهان ماهیتاً پذیرفتنی است ولی، به علت مخالفت با قواعد ماهوی، حقی برای او به دست نمی آید تا موضوع مشمول قرار رد یا عدم استماع باشد.

با وجود این، رویه قضایی گاه در مواردی مانند فقدان نفع یا عدم توجه دعوا و حتی اعتبار امر قضاوت شده، به درستی قرار عدم استماع دعوا صادر کرده است. برای مثال، نظریه ای از قضات دادگستری شهرستان محمودآباد درباره تفاوت لزوم ذی نفعی درخواست کننده مطابق ماده ۲ آیین دادرسی مدنی و بند ۱۰ ماده ۸۴ همان قانون که ذی نفعی را از جهات رد دعوا می شمارد، شایان توجه است: «فی الواقع ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی در بیان کلیات موضوع بوده و علی الاصول دادگاه مکلف به رعایت آن می باشد، اما بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون یادشده راجع به خواهان است که خواننده به ذی نفع نبودن وی ایراد می نماید و دادگاه با بررسی آن چنانچه ایراد وارد باشد اتخاذ تصمیم می نماید. در پاسخ قسمت اخیر سؤال در مورد بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون مرقوم، تکلیف دادگاه را قسمت اخیر ماده ۸۹ مشخص نموده است و قضات حاضر در جلسه بالاتفاق به صدور قرار رد دعوی از سوی دادگاه مربوطه اعلام نظر نمودند لکن در مورد ماده ۲ قانون فوق الاشاره اعتقاد دارند در صورتی که دعوی طرح شده و جلسه دادگاه نیز تشکیل گردیده و بر دادگاه معلوم شود که خواهان به هیچ وجه ذی نفع نمی باشد دادگاه در چنین صورتی حکم به بی حقی خواهان می نماید و نظریه دیگر که در جلسه عنوان شده بدین صورت است که در این مورد قرار رد دعوا از سوی دادگاه صادر می گردد، زیرا که ماده ۲، یک اصل کلی را اعلام نموده است» (بازگیر، ۱۳۸۱: ۳۱).

در این نظریه توجه قضات به تفاوت نفع با سایر ایرادات آیین دادرسی جالب توجه است. هرچند استدلال گروه اول در خصوص تفاوت ماده ۲ و بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون (ایراد بی نفعی) اشتباه به نظر می آید، ولی در نتیجه گیری از این جهت که فقدان نفع، اثری مشابه احراز بی حقی دارد، کاملاً درست است. به بیان دیگر، فقدان نفع همانند دفاع ماهوی موجب رد ادعاست، اما این امر با بررسی ماهیت رخ نمی دهد، از این روست که صدور حکم بر بی حقی جایز نیست، زیرا در این مرحله سخن از بودن یا نبودن حق در میان نیست. دادگاه نیز در ماهیت دعوا (اصل حق) اظهار نظری نمی کند و تنها به اعلام اینکه مدعی ذی نفع نیست، بسنده می کند.

نمونه دیگر، دادنامه شماره ۲۱۴ مورخ ۱۳۷۲/۴/۱۴ شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور است، به موجب این رأی شعبه مذکور قرار عدم استماع دادگاه را با این استدلال که خواننده ذی نفع در

دعوا نیست و دعوا متوجه وی نبوده به استناد بند ۲ ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی (بند ۴ ماده ۸۴ قانون جدید) تأیید کرده است (بازگیر، ۱۳۸۱: ۳۱).

بنابراین، پیداست که رویه قضایی به تفاوت میان ایرادات آیین دادرسی و عدم پذیرش توجه دارد، ولی با مبانی تصمیمات خود آشنا نیست. تفاوت این دو از جهات مختلف شایان ملاحظه است: ایرادات آیین دادرسی ناظر بر رسیدگی است و باید در زودترین زمان ممکن طرح شده و اختلاف در خصوص آن توسط دادرس حل و فصل شود و در صورت زوال رسیدگی به علت پذیرش ایراد آیین دادرسی طرح مجدد دعوا بلامانع است، اما عدم پذیرش ناظر بر نبود حق دادخواهی است و از این جهت ارتباطی با درستی اعمال آیین دادرسی و رسیدگی ندارد و وجود یکی از جهات عدم پذیرش، بدین معناست که مدعی حق مشغول کردن دادگاه و دادرس و الزام وی به بررسی ماهیت و صدور حکم را ندارد، به این سبب، مشکل اجرای قواعد شکلی آیین دادرسی نیست، بلکه حادثه از آن بوده و صحبت از فقدان حق دادخواهی در میان است. تفاوت دیگر این دو، در نظام طرح و استناد به آن است. عدم پذیرش، مانند دفاع ماهوی در هر مقطعی از رسیدگی و حتی در مرحله تجدیدنظر قابل استناد است، اما ایرادات آیین دادرسی باید در اسرع وقت و در موعدی که به موجب قانون معین شده است، مطرح شوند.

۵. نتیجه‌گیری

نتیجه تفکیک سه گانه آیین دادرسی، شناخت دقیق و روشن ضمانت‌اجراهای آیین دادرسی و کاربرد درست و متناسب آنها در جایگاه قانونی است. بر پایه آنچه گفته شد، ایراد آیین دادرسی خصیصه دفاعی ندارد، از این رو مختص خواننده نیست و خواهان نیز می‌تواند آن را مطرح کند. در حقیقت، بازرسی و نظارت بر انجام اعمال آیین دادرسی مطابق مقررات قانونی از طریق ایراد آیین دادرسی صورت می‌پذیرد. به تعبیر ساده‌تر، همان‌طور که قواعد آیین دادرسی مدنی که تضمین‌کننده حقوق تضییع و انکارشده مدعی است، قواعد ایرادات آیین دادرسی نیز صحت اجرا و رعایت قواعد آیین دادرسی را تضمین می‌کنند، در قوانین آیین دادرسی مقرراتی پیش‌بینی شده است، تعرض به آنها از سوی هریک از طرفین، با اعتراض مدعی توسط دادرس بررسی شده و ضمانت اجرای مقرر که ناظر بر رسیدگی است، اعمال می‌شود. همچنین، بعضی ایرادات مانند ایراد امر مرتبط ارتباطی با نحوه انجام اعمال آیین دادرسی نداشته و ریشه در مبانی دیگری مانند پیشگیری از صدور آرای متعارض دارند. اما دو طریق دیگر، یعنی دفاع ماهوی و عدم پذیرش کاملاً طرق دفاعی‌اند و به همین دلیل، تنها به مدعی‌علیه اختصاص دارند. به این ترتیب که دفاع ماهوی، به منظور رد ادعای مدعی مطرح

می‌شود و در این باره دادرس باید پس از بررسی مبنای ادعای مدعی و دفاعیات مدعی علیه و تمییز حق، تصمیم خود درباره ذی‌حق بودن یا نبودن را اعلام کند. سادگی یا سختی تمییز حق تأثیری در طبیعت کار دادرس ندارد و نتیجه فعالیت دادرس به همین علت و به پاس تمییز دادن حق باید در قالب حکم باشد. اما، عدم پذیرش، همانند دفاع ماهوی ناظر بر وضعیتی است که ادعای خواهان رد می‌شود، اما رد ادعا به موجب عدم پذیرش، بدون تمییز حق انجام می‌گیرد و این وجه تمایز دفاع ماهوی و عدم پذیرش است. شباهت دیگر دفاع ماهوی و عدم پذیرش در نظام طرح و استناد به آن است که محدود به اولین پاسخ یا اولین جلسه دادرسی نیست. باری، مقتن بنابر مصالحی، پذیرش دادخواهی مدعی را ممنوع اعلام می‌کند. این ممنوعیت به هر علت که باشد، غیرقابل رفع و اصلاح است، زیرا به خلاف ایرادات که ناظر بر فرایند رسیدگی و انجام اعمال آیین دادرسی‌اند، عدم پذیرش به نبود حق دادخواهی مربوط است و از این جهت موجب رد قطعی ادعاست. بر این پایه، بندهای مذکور در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، اشکالات عدیده‌ای دارد و نظام روشن و شفافی از طرق دفاعی و ایرادات آیین دادرسی ترسیم نمی‌کند و نیازمند اصلاح اساسی است. بر این بنیاد پیشنهاد می‌شود، مبحث سوم از فصل سوم قانون آیین دادرسی مدنی به ایرادات آیین دادرسی، عدم پذیرش و دفاع ماهوی تغییر یابد و در مواد جداگانه هر یک تعریف شده و در هر یک مصادیق ایرادات و عدم پذیرش به صورت مستقل آورده شود.

منابع

الف) فارسی

۱. بازگیر، یداله (۱۳۸۱). تشریفات دادرسی مدنی در آئینه آراء دایوانعالی کشور، تهران: فردوسی.
۲. خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳). حقوق دعاوی، قواعد عمومی دعاوی، تهران: سهامی انتشار.
۳. درخشان‌نیا، حمید (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی ایرادات و موانع رسیدگی در آیین دادرسی مدنی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ش ۲، ص ۴۳-۲۳.
۴. شمس، عبدالله (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، ج ۱، تهران: دراک.
۵. شمس، عبدالله؛ کرد زنگنه، مصطفی (۱۳۹۷). «ایراد عدم استماع در حقوق فرانسه و ایران»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، ش ۸۲، ص ۲۹-۱۱.
۶. صدرزاده افشار، سید محسن (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، سه جلد در یک مجلد، تهران: مؤسسه جهاد دانشگاهی.
۷. عموزاد مهدیرجی، رضا (۱۳۹۴). ایرادات قضایی بر نحوه طرح دعاوی حقوقی، تهران: دادگستر.
۸. غمامی، مجید (۱۳۸۳). «دعوی متقابل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۶۶، شماره پیاپی ۵۲۰، ص ۲۴۴-۲۲۵.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). دوره عقود معین (۱)، حقوق مدنی، دوره ۴ جلدی، ج ۱، تهران: سهامی انتشار.
۱۰. ----- (۱۳۸۶). نظریه عمومی تعهدات، تهران: میزان.
۱۱. ----- (۱۳۹۲). اعتبار امر قضاوت‌شده در دادرسی مدنی، تهران: میزان.

۱۲. محسنی، حسن (۱۳۹۳). *اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. ----- (۱۳۹۳). *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، ج ۱، تهران: سهامی انتشار.
۱۴. ----- (۱۳۹۵). «رویکردی تطبیقی بر دعوی تقابل»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۶۷-۱۹۸.
۱۵. ----- (۱۳۹۱). «دعوی مرتبط و ناکارآمدی مقررات مرتبط»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۶، ش ۷۷، ص ۶۹-۹۸.
۱۶. مصدق‌السلطنه، محمد (۱۳۹۶). *دستور در محاکم حقوقی*، تهران: سهامی انتشار.
۱۷. متین‌دفتری، احمد (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۱، تهران: مجد.
۱۸. مولودی، محمد؛ صفری، ناهید (۱۳۹۶). «ایرادها و دفاع ماهوی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۱، ش ۹۷، ص ۱۸۱-۱۶۳.
۱۹. هرمزی، خیرالله (۱۳۹۴). «شرایط قابل استماع بودن دعوی در فقه (شرحی بر بند ۳ و ۵ الی ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی)»، *پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۴، ش ۱۳، ص ۳۵-۹.

(ب) خارجی

20. Akeusson, Ernest Tonawa (2016). *Les exceptions de procédure dans le procès civil*, Thèse de doctorat en Droit privé, sous la direction de Emmanuel Jeuland et de Joseph Djogbenou, Soutenue le 22-01-2016 à l'Université Paris 1.
21. Cornu, Gérard et Jean Foyer, (1958). *Procédure civile*, Presses universitaires de France.
22. Morel, René (1932). *Traité élémentaire de procédure civile*, 1è éd., Sirey.
23. Solus, Henry et Roger Perrot, (1961). *Droit judiciaire privé*, t1, Sirey.
24. Guinchard, Serge, Cécile Chainais et Frédérique Ferrand, (2008). *Procédure civile, Droit interne et droit de l'Union européenne*, 29^e éd, Dalloz.
25. Cadiet, Loïc, Jacques Normand et Soraya Amrani-Mekki, (2013). *Théorie générale du procès*, 2^e éd., PUF.
26. Glasson, Ernest Désiré et Albert Tissier, (1925). *Traité théorique et pratique d'organisation judiciaire de compétence et de procédure civile*, Tome 1, 3è éd, Sirey.
27. Héron, Jacques et Thierry Le Bars, (2006). *Droit judiciaire privé*, 3e éd., Montchrestien Lextensoédition.
28. Motulsky, Henri, (1973). "Le droit subjectif et l'action en justice", repris in *Écrits*, tome 1, Études et notes de procédure civile, Dalloz. pp.85-100.
29. Cadiet, Loïc et Emmanuel Jeuland, (2011). *Droit judiciaire privé*, LexisNexis.